

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی

محمد جواد چیت ساز^۱

عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی

احمد قماشچی^۲

سرپرست دفتر ارتباط با مجامع تخصصی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۸۶/۹/۱۸

چکیده:

این مطالعه به بررسی وضعیت ارتباطی نظام «آموزش و پرورش» و «آموزش عالی» پرداخته و ابعاد و لایه‌های ناشناخته نظام ارتباطی «آموزش و پرورش» و «آموزش عالی» را روشن سازد.

بررسی تاریخ آموزش در کشور نشان می‌دهد تا سال ۱۳۴۶، اداره امر آموزش و پرورش کشور از

مقطع ابتدایی تا سطوح عالی بر عهده وزارت آموزش و پرورش بوده است و از آن پس، اداره امور

1. J. Chitsaz@gmail.com

2. Ghomashchi5@yahoo.com

مربوط به آموزش عالی از وزارت آموزش و پرورش جدا می‌شود و وزارت علوم و آموزش عالی تشکیل و عهده‌دار این وظایف می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی وزارتخانه جدیدی به نام «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» تشکیل شده و اخیراً نیز با تغییر نام به «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری»، اداره آموزش عالی را بر عهده دارد. بررسی وضعیت ارتباطی دو نظام آموزش عمومی و عالی نشان می‌دهد، تعامل و کنش ساختاری و فرآیندی بین این دو نظام مشاهده نمی‌شود. از منظر رویکرد سیستمی به نظام آموزشی کشور، نظام آموزشی ما با برخی از فرایندها و روندهای تعلیم و تربیت هم‌اوا به نظر نمی‌رسد. فقدان ارتباط نظام‌مند و معنادار ساختاری و فرآیندی بین بخش‌ها و مقاطع مختلف آموزشی یکی از مواردی است که، نشان دهنده فقدان رویکردی جامع و کل‌نگر به آموزش در ایران می‌باشد. بدین لحاظ، می‌توان یکی از چالش‌های نظام آموزشی کشورمان را فقدان ارتباط مطلوب بین دو نظام «آموزش و پرورش» و «آموزش عالی» دانست.

واژگان کلیدی: نظام آموزشی، آموزش و پرورش، آموزش عالی

مقدمه

آموزش یکی از مهم‌ترین ارکان هر نظام اجتماعی به شمار می‌رود. در جوامع پیشرفته که روز به روز بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود، بدون آموزش‌های لازم، زندگی ممکن نخواهد بود. به تناسب گسترش مهارت‌های کار و زندگی، ارتقاء کمی و کیفی نظام آموزش هر جامعه‌ای ضرورت می‌یابد.

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در مسائل آموزشی در سطوح و حوزه‌های مختلف، اعم از ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی یکی از سرنوشت‌سازترین حوزه‌ها است. سیاست‌گذاری در این حوزه امری پویا و متحول است، که به فراخور نیاز جوامع، باید دست‌خوش تغییر و اصلاح گردد.

امروزه کشورهای مختلف جهان از ساختارهای آموزشی متفاوتی برخوردار می‌باشند که طبیعتاً ساختارهای فوق در هر کشوری بنا بر سیاست‌ها، برنامه‌ها و اهداف مورد نظر آن کشور متفاوت می‌باشد. در این بین، تلاش بر این است که نظام آموزشی هر یک از کشورها با تحولات اجتماعی و پیشرفت‌های فرهنگی متناسب با قرن بیست و یکم هم‌گام گردد. از سویی دیگر، هماهنگی‌های لازم بین برنامه‌های آموزشی و بازار کار در حوزه‌های مختلف خدماتی، صنایع، کشاورزی، بازرگانی و... برقرار باشد.

نقش آموزش در زندگی فردی و اجتماعی انسان نقشی اساسی است و تمامی دولت‌ها آموزش برای همه و همگانی کردن فرصت‌های آموزشی را از اهداف بزرگ خود ذکر کرده‌اند.

رشد و گسترش روزافزون نظام‌های آموزش و پرورش از ویژگی‌های بارز عصر ماست (علاقه‌بند، ۱۳۷۱، ص. ۱۰).

هم اکنون در سراسر جهان تغییرات عمده‌ای در نظام‌های آموزشی در شرف تکوین است و اصلاح نظام آموزشی در دستور کار همه دولت‌ها قرار دارد. نظام آموزشی در کشورها به دو قسمت آموزش عمومی و آموزش عالی تقسیم می‌شود: برنامه‌ریزی آموزش عالی و آموزش و پرورش به عنوان یک نظام آموزشی، باید در راستای برنامه‌ریزی رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد. توجه به هماهنگی در برنامه‌ریزی‌های مربوط به آموزش و پرورش و آموزش عالی، موضوع مهمی است که نباید از نظر برنامه‌ریزان، کارشناسان و سیاست‌گذاران هر کشوری دور بماند. در تعریف مدیریت و سازمان، مفهوم هماهنگی جایگاه ویژه‌ای دارد. به طوری که، سازمان «هماهنگی معقول تعدادی از افراد که برای تحقق هدف یا منظور مشترکی از طریق تقسیم وظایف و برقراری روابط منظم و منطقی، بطور مستمر فعالیت می‌کنند» تعریف شده است. همچنین مدیریت این چنین تعریف شده است: «هماهنگ‌سازی منابع انسانی و مادی در جهت تحقق هدف‌ها» (علاقه‌بند، ۱۳۷۱، صص. ۱۱-۱۳).

بنابراین هماهنگی، به معنای به هم پیوستن و وحدت بخشیدن همه کوشش‌ها و فعالیت‌ها، یکی از کارکردهای مدیریت شمرده شده است. بنابراین، چه از دیدگاه مدیریت و چه از دیدگاه برنامه‌ریزی مسئله هماهنگی عناصر یک سیستم، اعم از آموزشی و غیر آموزشی امری بسیار مهم و ضروری است و حذف هماهنگی از حوزه مدیریت و حیطه عمل برنامه‌ریزی، حصول نتیجه را با مشکل مواجه می‌سازد.

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۵۹

برنامه‌ریزی آموزش عالی و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، تابعی از برنامه‌ریزی جامع آموزشی یک کشور محسوب می‌شود و نباید به صورت فعلی، از برنامه‌ریزی برای صورت مختلف آموزش تفکیک شود. در کشور ما، تا سال ۱۳۴۶ وزارت آموزش و پرورش متصدی اصلی آموزش در کشور بوده است. در این سال، براساس قانون، وزارت علوم و آموزش عالی از وزارت آموزش و پرورش جدا شده است. با جدایی آموزش و پرورش و آموزش عالی در طول این ۴۰ سال، هر دو وزارتخانه دچار تغییرات بسیاری شدند و با گسترش آموزش عمومی و تقاضای روزافزون برای آموزش عالی در دو دهه اخیر آموزش عمومی و عالی در ایران از رشد چشمگیری برخوردار شد و هر یک از وزارتخانه‌ها در پی رفع و رجوع کردن مسایل خود برآمدند. اگر چه هر دو وزارتخانه مذکور در طول این سال‌ها سعی نمودند که، در راستای اهداف کل نظام آموزشی کشور قدم بردارند. اما مشکلات موجود در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، تربیت نیروی انسانی، آموزش ضمن خدمت و تحقیقات و پژوهش نشانگر عدم توجه واقعی به این نکته است که هر دو نظام آموزشی دچار مشکلاتی از ناحیه این ناهماهنگی هستند و لزوم هماهنگی و یکپارچگی کل نظام آموزشی را آشکار می‌سازد.

اگر رویکرد سیستمی را در نظام آموزشی کشور مد نظر قرار دهیم، نظام آموزشی ما با برخی از فرایندها و روندهای تعلیم و تربیت هم آوا به نظر نمی‌رسد. فقدان ارتباط نظام‌مند و معنادار ساختاری و فرایندی بین بخش‌ها و مقاطع مختلف آموزشی یکی از مواردی است که نشان‌دهنده فقدان رویکرد سیستمی به آموزش در ایران می‌باشد. به این لحاظ، می‌توان یکی از

چالش‌های نظام آموزشی کشورمان را فقدان ارتباط مطلوب بین دو نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی دانست. این مطالعه، قصد دارد به بررسی این موضوع اقدام نماید و ابعاد و لایه‌های ناشناخته نظام ارتباطی آموزش و پرورش و آموزش عالی را روشن سازد.

تاریخچه آموزش و پرورش در ایران

آموزش و پرورش در ایران در طول تاریخ، دچار فراز و نشیب‌های فراوانی بوده و دستخوش تغییرات زیادی شده است. به طور کلی، می‌توان آموزش و پرورش ایران را در دو دوره مجزا مورد بررسی قرار داد:

۱- دوران باستان

۲- دوران پس از اسلام

در دوران باستان، آموزش و پرورش بیش‌تر ناظر بر آموزش‌های دینی و اخلاقی بوده که این امر در مراکز مذهبی ایرانیان انجام می‌شد و هر طبقه از مردم متناسب با طبقه و قشر اجتماعی خود آموزش می‌دیدند. آموزش‌های این دوره شامل آموزش اداری، نظامی، سیاسی، حرفه‌ای، بهداشتی و هنری بوده است.

در ایران باستان علاوه بر دروس مذهبی، علمی مانند طب، ریاضی، نجوم و کشاورزی نیز آموزش داده می‌شد. اصولاً در آن دوران، آموزش هر طبقه اجتماعی با طبقات اجتماعی دیگر متفاوت بوده است. البته، در کنار آموزش علوم، آموزش‌هایی نظیر میهن دوستی، روحیه

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۶۱

سلحشوری، راستی و درستکاری، دادگری و خویشنداری و... نیز مرسوم بوده است (صفوی، ۱۳۸۳، صص. ۳۲-۱۸).

با ظهور اسلام و پذیرش دین اسلام از سوی ایرانیان، آموزش و پرورش جلوه دیگری به خود گرفت و تحولاتی در ساختار آموزش و پرورش اتفاق افتاد، آموزش و پرورش در زمان حکومت بنی امیه بیشتر به صورت آموزش مذهبی، وعظ و خطابه، خواندن و نوشتن، مقدمات حساب و زبان عربی بوده و این آموزش‌ها اغلب در مساجد و مکتب‌خانه‌های قدیمی صورت می‌گرفته است که بعدها با ساخت مدارس کوچک و بزرگ کم کم به آموزش رسمی تبدیل شد.

در دوران سلجوقی با روی کار آمدن خواجه نظام الملک طوسی، مدارس شکل تازه‌ای به خود گرفتند و نظامیه‌ها توسعه یافتند و کتاب‌های زیادی در این دوره به رشته تحریر درآمد. به دلیل اهمیت کار خواجه نظام الملک، وی را می‌توان بنیان‌گذار آموزش رسمی در ایران دانست (صدیق، ۱۳۶۲، ص. ۱۵۰).

در عصر صفوی که، مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی ایران معرفی شد، آموزش و پرورش بیشتر رنگ و بوی مذهبی به خود گرفت و تعریف جدیدی از مقوله تعلیم و تربیت ارائه شد که عبارت بود از: معتقد کردن کودکان، نوجوانان و سالمندان به مذهب جعفری. این موضوع موجب حکومتی شدن تعلیم و تربیت شد (میر احمدی، ۱۳۷۱، ص. ۵۱). در دوران صفوی

رشته‌های تحصیلی عبارت بودند از: علم صرف، علم نحو، معانی و بیان و بدیع، علم منطق. علم فلسفه، تصوف و عرفان، علم طب، هندسه، حساب، هیأت، اسطرلاب، اصول فقه، احوال حدیث و خیر، تفسیر قرآن.

اگر در طول تاریخ قدم بزیم به دوران معاصر یعنی آغاز حکومت قاجار می‌رسیم. در این دوران، میرزاتقی خان امیرکبیر با تأسیس دارالفنون توانست تحول عظیمی در نظام آموزش و پرورش کشور به وجود آورد.

دارالفنون نخستین مدرسه‌ای است که به سبک اروپایی و از بودجه عمومی در تهران تأسیس شد و مقدمات کار آن توسط مرحوم امیرکبیر فراهم شده بود. این مدرسه، در پنجم ربیع‌الاول سال ۱۳۶۸ هـ ق (۱۸۵۱ م) گشایش یافت (ضمیری، ۱۳۸۰، ص. ۱۶۳). برخی از مدارسی که پس از تأسیس دارالفنون یکی پس از دیگری گشایش یافتند عبارتند از: مدرسه سهسالار، مدرسه علوم سیاسی، مدرسه علمیه، مدرسه رشیدی، مدرسه مشیریه، کمالیه، ادب، سادات، خیریه، افتتاحیه، فلاح، شرف و چند مدرسه نظامی و کشاورزی در تهران و مدارس دیگری در تبریز و اصفهان (صدیق، ۱۳۶۲، ص. ۵۴-۳۵۳).

با اعلام مشروطیت در سال ۱۲۸۲ هـ ش و تصویب قانون اساسی و متمم آن آموزش حالت قانونی و کاملاً رسمی به خود گرفت. تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۲۹۰ شمسی توسط مجلس شورای ملی در تعمیم آموزش و پرورش و توسعه مدارس آن زمان نقش عمده‌ای داشت. از سال ۱۳۲۲ هجری شمسی، آموزش عمومی اجباری شد، اما با وقوع دو

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۶۳

جنگ جهانی، برنامه های تحصیلی در مدارس مختل شد و بسیاری از طرح های آموزشی مصوب، به مرحله اجرا درنیامد.

در حکومت ۵۰ ساله پهلوی، حضور کارشناسان غربی ایرانی و کم توجهی به فرهنگ ایرانی و اسلامی، استفاده از روش ها و مباحث جدید آموزش و پرورش غربی و ترجمه آثار دانشمندان اروپایی و امریکایی و تغییر نظام آموزشی کشور، بر اساس تجربیات آن ها به ویژه کشور فرانسه رایج شد.

در سال ۱۳۵۸ شمسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مطالعات گسترده ای در زمینه مشکلات آموزش و پرورش آغاز و در زمینه اهداف، ساختار و محتوای آموزش و پرورش طرح های اصلاحی متعددی پیشنهاد شد. در آذر سال ۱۳۶۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی پس از تشکیل به تدوین اصول، اهداف و سیاست های کلان آموزشی، فرهنگی، تحقیقاتی و علمی کشور پرداخت.

در سال ۱۳۶۴ پس از یک دوره مطالعات، "شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش" تشکیل و مأمور انجام بررسی های لازم و ارائه طرح بنیادی نظام آموزش و پرورش گردید. این شورا پس از دو سال، طرح کلیات نظام آموزش و پرورش ایران را تهیه و پس از نظرخواهی از صاحب نظران به شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت بررسی و تصویب ارائه داد. در این طرح مبانی، اهداف کلی، اصول حاکم، ساختار و تشکیلات نوین و شیوه های اجرای نظام آموزش و پرورش ارائه شده است.

بر اساس این طرح، مقاطع تحصیلی بر اساس الگوی $۱۲=۳+۲+۵+۲$ عبارت است از: دوره اساس یا پیش‌دبستانی (۲ سال) دوره ارکان یا ابتدایی (۵ سال) دوره ارشاد یا راهنمایی (۲ سال) و دوره متوسطه (۳ سال)، که به آموزش‌های نظری و فنی حرفه‌ای برای تربیت نیروی انسانی اختصاص دارد.

در سال ۱۳۶۹ طرح آزمایشی نظام جدید آموزش متوسطه به مرحله اجرا درآمد و در سال‌های بعد رسمی و با اجرای دوره پیش‌دانشگاهی و دوره کاردانی پیوسته تکمیل شد. در سال ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی قانون اهداف، مأموریت و وظایف وزارت آموزش و پرورش را تصویب کرد. اجرای طرح نظام جدید متوسطه به صورت نیم‌ساله واحدی، موفقیت‌آمیز نبود و در سال ۱۳۷۹ به صورت سالی واحدی اصلاح گردید (آقازاده، ۱۳۸۳، صص. ۲۲-۱۷).

تاریخچه آموزش عالی در ایران

از آنجا که ایران از دیرباز مهد تمدن و فرهنگ بوده است، از این رو، وجود دانشگاه در زمان‌های گذشته دور از ذهن نیست، به طوری که مورخان یونانی معتقد به وجود دانشگاه در ایران در عهد ساسانی هستند. برخی نیز وجود مراکز آموزش عالی در دوران هخامنشی را تأیید کرده‌اند، آنچه از اسناد تاریخی برمی‌آید و مسلم است این است که، ایرانیان همواره به امر

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۶۵

آموزش و آموزش عالی سطح بالا و تخصصی اهمیت داده و فرزندان خود را به فراگیری علوم و فنون تشویق می‌کرده‌اند (نفیسی، ۱۳۷۵، ص. ۵۲).

با ورود اسلام به ایران به خاطر تشویق مسلمانان به فراگیری علوم، آموزش عالی در ایران رشد و پیشرفت سریعی را شاهد بود و مراکز مختلفی عهده‌دار آموزش‌های تخصصی گردیدند، از جمله این مراکز می‌توان به مدرسه‌ها، مساجد دانشگاهی یا مساجد جامع، فرهنگستان یا آکادمی‌ها و نظامیه‌ها اشاره کرد.

در ایران دوران اسلام، علمی از قبیل طب، ریاضی، نجوم و فلسفه رواج پیدا کرد و به لحاظ ارتباطات فرهنگی، سیاسی و علمی با سایر ملل دچار تحولات زیادی شد (گزارش ملی آموزش عالی ایران، ۱۳۸۰، صص. ۱۸ - ۱۵).

تأسیس دارالفنون را باید سنگ‌بنای آموزش عالی نوین در ایران دانست (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، ص. ۲۵۴). شاید بتوان مدرسه سیاسی را نخستین مدرسه عالی ایران قلمداد کرد؛ زیرا این مدرسه چند سال پیش از مشروطه در سال ۱۲۷۷ هـ ش در دوره تصدی وزارت خارجه توسط میرزا نصرالله مشیرالدوله در زیر مجموعه وزارت خارجه به وجود آمد و هدف از تأسیس آن، پاسخگویی به نیروی انسانی تحصیل کرده و آشنا به حقوق سیاسی و روابط بین‌الملل بود. پس از مدرسه سیاسی باید از دارالمعلمین مرکزی نام برد که با هدف تربیت آموزگار برای دوره ابتدایی و دروه متوسطه با مدیریت ابوالحسن فروغی در سال ۱۲۹۷ هـ ش

تأسیس شد. سال ۱۳۰۷ هـ ش نیز مرکزی مشابه تحت عنوان دارالمعلمات برای زنان اختصاص یافت. سپس، در سال ۱۳۰۷ هـ ش دارالمعلمین عالی تأسیس شد که از فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه دارالمعلمین مرکزی و نیز سایر مدارس متوسطه دانشجو می‌پذیرفت و در ادامه به دانشسرای عالی (از سال ۱۳۱۲ هـ ش) تکامل یافت و تربیت دبیر را برعهده گرفت.

مدرسه عالی فلاحت و صنایع روستایی (۱۳۰۱ هـ ش) و پس از آن مدرسه عالی فلاحت (۱۳۰۹ هـ ش)، نخستین مدارس عالی ایران در رشته کشاورزی بودند که با اقدامات و زمینه‌سازی قبلی مثل مدرسه فلاحت کشاورزی (۱۲۷۸ هـ ش) تأسیس شدند. مدرسه عالی حقوق نیز در سال ۱۲۹۹ با هدف تأمین نیروی انسانی کار آزموده برای وزارت عدلیه (دادگستری) تأسیس شد. در سال ۱۳۰۵ دو مدرسه سیاسی و حقوق درهم ادغام و مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی را تشکیل دادند.

فکر تأسیس دانشگاه تهران از سال ۱۳۰۷ به وجود آمد. ولی چون وسایل این کار به هیچ عنوان فراهم نبود، به ناچار اجرای آن به تأخیر افتاد. تا این‌که در سال ۱۳۱۳ فکر تأسیس مرکزی که جامع همه یا اغلب مدارس عالی باشد به مرحله عمل درآمد و به موجب قانون مصوب ۸ خرداد آن سال، تأسیس دانشگاه تهران از تصویب مجلس شورای ملی گذشت (مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۰، ص. ۲۴ - ۱۸). در سال‌های بعد، الگوی دانشگاه

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۶۷

تهران برای تأسیس دانشگاه‌های مراکز استان‌ها و سایر دانشگاه‌هایی که بعد از آن‌ها تأسیس شدند، مورد استفاده قرار گرفت.

رشد و گسترش آموزش عالی از سال تأسیس دانشگاه تهران ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۳۰ کند بوده است. از این سال به بعد، با دوره‌ای با رشد سریع مؤسسات آموزش عالی در ایران روبرو هستیم که تا سال ۱۳۵۰ ادامه دارد. در همین دوره است که، وزارت علوم و آموزش عالی در سال ۱۳۴۶ تأسیس می‌شود و کلیه مدارس عالی تحت نظر وزارتخانه جدید درمی‌آید. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، آموزش عالی کشور دچار تغییرات اساسی می‌شود. با ادغام دو وزارت علوم و آموزش عالی و وزارت فرهنگ و هنر، در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۷ وزارت جدیدی به نام «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» تشکیل شد.

در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹، لایحه تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی به تصویب شورای انقلاب رسید. به دنبال آن، به منظور ایجاد تحول اساسی در دانشگاه‌ها، ستادی با عنوان ستاد انقلاب فرهنگی با فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) تشکیل شد که بعدها، با تغییر نام به شورای عالی انقلاب فرهنگی بزرگ‌ترین نقش را در سیاستگذاری فرهنگی و آموزشی کشور به عهده گرفت.

سال ۱۳۶۱ با توجه به تقاضای روزافزون اجتماعی برای ورود به آموزش عالی، دانشگاه آزاد اسلامی با استفاده از امکانات و منابعی که لزوماً دولتی تلقی نمی‌شود، تأسیس و توسعه

پیدا کرد. دانشگاه آزاد اسلامی نخستین دانشگاه غیردولتی بعد از انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

بعد از انقلاب اسلامی، با توجه به تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از رشد چشمگیری برخوردار شدند. به طوری‌که، تا سال ۱۳۸۰ تعداد ۵۳ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ۴۱ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۰۷ آموزشکده، ۲ دانشکده و یک دانشگاه وابسته به وزارت آموزش و پرورش، ۹ دانشگاه، ۱۴ دانشکده، ۱۵ آموزشکده و ۹ مرکز آموزش عالی وابسته به دیگر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی یا عمومی با کسب مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مبادرت به پذیرش دانشجو کرده‌اند.

همچنین تعداد ۲۹ مؤسسه آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی و ۲۰۲ واحد دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور مشغول به فعالیت هستند (مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۰).

سازمان و تشکیلات نظام آموزشی در ایران

تأسیس وزارت علوم در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی را می‌توان اولین اقدام دولت ایران برای اداره آموزش و پرورش کشور به صورت رسمی دانست. سازمان اداری این وزارتخانه، شامل اداره مدارس، اداره اوقاف، اداره مطبوعات، اداره حفريات موزه، اداره مطبعه دولتی و اداره ابنیه عتیقه بوده است. وجود ادارات مذکور نشان‌دهنده وظایف متعددی است که در آغاز، وزارت

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۶۹

علوم برعهده داشت. پس از انقلاب مشروطیت و تصویب قانون اساسی و متمم آن و تشکیل وزارتخانه های متعدد، نام «وزارت علوم» به «وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه» تغییر یافت. برای اداره این وزارتخانه در سال ۱۲۸۸، قانونی از مجلس گذشت و به موجب آن ساختار اداری آموزش و پرورش مشخص شد، همچنین در سال ۱۲۸۹ قانون اساسی معارف (فرهنگ) از تصویب مجلس گذشت و براساس مفاد آن ساختار آموزشی و سیاست های لازم در نظام رسمی آموزش و پرورش کشور تعیین شد. با تصویب کلمه «فرهنگ» به جای «معارف» در فرهنگستان ایران، «وزارت معارف» در سال ۱۳۱۷ «وزارت فرهنگ» نامیده شد و تا سال ۱۳۴۳ این وزارتخانه همواره گسترش یافته و سرپرستی اداره دوره های مختلف تحصیلی از کودکان تا آموزش عالی و همچنین امور فرهنگی، هنری و اوقاف را برعهده داشته است.

سال ۱۳۴۳ وزارت آموزش و پرورش، از وزارت فرهنگ منفک می شود و وزارت آموزش و پرورش عهده دار انجام وظایفی است که طبق قانون به عهده وزارت فرهنگ بوده است. به موجب این قانون، وزارت آموزش و پرورش عهده دار اداره امور آموزش و پرورش در کشور از مقطع ابتدایی تا عالی می شود (صافی، ۱۳۷۹، صص. ۳۳ - ۲۵).

سال ۱۳۴۴ قانون شورای مرکزی دانشگاه ها به تصویب رسید. این شورا که صیغه آکادمیک و علمی آن بر جنبه دیوانسالاری اش غالب بود، به صورت یک نهاد هماهنگ کننده و واسط بین دانشگاه ها با همدیگر و با وزارت گردید و مأموریت آن سیاستگذاری، برنامه ریزی و

تدوین مقررات، آمایش و گسترش و نظارت بود. تشکیل هیأت امنای دانشگاه‌ها و اختیارات آن‌ها از دیگر قوانین مصوب این دوره در تاریخ ۱۳۴۶/۴/۱۱ بود که موجب می‌شد، مسائل اداری و مالی دانشگاه‌ها بدون دچار شدن در تنگنای دیوانسالاری رفع و رجوع شود. سرانجام با گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سال ۱۳۴۶ اداره امور مربوط به آموزش عالی کشور از وزارت آموزش و پرورش جدا می‌شود و بر اساس قانون وزارت علوم و آموزش عالی عهده دار این وظایف می‌شود. در ماده دو این قانون آمده است: «کلیه وظایف و اختیارات وزیر آموزش و پرورش در شورای مرکزی دانشگاه‌ها و هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها یا دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی به وزیر علوم و آموزش عالی محول می‌گردد.»

در ماده یک؛ این وظایف، به شرح زیر تعیین شده است:

- ۱- تعیین هدف‌های علمی، تحقیقاتی و آموزشی؛
- ۲- تهیه و تنظیم برنامه‌های مربوط به علوم و پژوهش‌های علمی و آموزش عالی با توجه به نیازمندی‌های کشور؛
- ۳- نظارت بر امور دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی؛
- ۴- صدور اجازه تأسیس و توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی؛
- ۵- ارزشیابی مدارک تحصیلی صادره از مؤسسات عالی خارج از کشور؛
- ۶- تعیین خط مشی کلی در مورد اعزام دانشجو به خارج از کشور؛
- ۷- اداره امور نمایندگی ثابت ایران در یونسکو (صافی، ۱۳۷۹، صص. ۳۳ - ۲۵).

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۷۱

با پیروزی انقلاب اسلامی، دو وزارتخانه علوم و آموزش عالی و وزارت فرهنگ و هنر در یکدیگر ادغام می‌شوند. وزارتخانه جدیدی بنام وزارت فرهنگ و آموزش عالی تشکیل می‌شود. در سال ۱۳۷۹ وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تغییر نام یافت.

سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی ایران

سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در آموزش عالی کشور در دو سطح انجام می‌شود.

الف) سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در سطح ملی؛

در سطح ملی مهم‌ترین مراجع سیاست‌گذاری؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی و هیأت دولت می‌باشد.

ب) سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در سطح وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت آموزش و پرورش؛

تجربه سایر کشورها (مروری بر نظام‌های آموزشی کشور های منتخب)

در این قسمت نظام های آموزشی کشورهای مختلف بررسی شده است. هدف عمده از مرور این نظام ها، بررسی وضعیت نظام های آموزشی از جهت ساختار آموزشی این کشورها و نیز بررسی وضعیت مدیریت آموزشی حاکم بر آن ها و بررسی نهاد، سازمان و وزارتخانه متولی

آموزش در این کشورها است. در این بخش، نظام های آموزشی کشورهای اتریش، اسپانیا، استرالیا، آمریکا، اندونزی، انگلستان، ایتالیا، برزیل، پاکستان، ترکیه، چین، روسیه، ژاپن، سوئیس، عربستان سعودی، فرانسه، کانادا، مالزی، هند و یونان مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی نظام های آموزشی این کشورها نشان می دهد که، ساختار متفاوتی بر نظام آموزشی آن ها حاکم است و نیز از نظر مدیریت و سیاستگذاری آموزشی، در بیش تر کشورها، یک وزارتخانه مسئولیت سیاستگذاری، اجرا و نظارت در امر آموزش را بر عهده دارد. در برخی از کشورها، این مسئولیت به عهده شوراها و کمیته هایی است که خارج از سیستم حاکمیت کشور به انجام وظایف قانونی خود می پردازد.

نکته ای که تقریباً در تمامی نظام های آموزشی مورد بررسی مشترک است، این است که دانشگاه ها تقریباً مستقل از حاکمیت و دولت هستند و برای پذیرش دانشجویان از روش های متنوعی غیر از کنکور بهره می گیرند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الف. ساختار آموزشی

تجارب کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آمریکایی در خصوص ساختار آموزشی نشان می دهد که، اکثر کشورها از یک ساختار تقریباً مشابهی در مقاطع مختلف آموزشی دارند. آموزش عمومی در اغلب کشورها از سن ۶ یا ۷ سالگی شروع شده و تا سن ۱۵ یا ۱۶ سالگی

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۷۳

و در برخی موارد تا ۱۸ سالگی ادامه دارد. این آموزش در همه کشورها اجباری می باشد (دفتر اطلاع رسانی و سنجش افکار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱).

مقاطع تحصیلی اغلب کشورها به شرح ذیل است:

۱. آموزش پایه یا ابتدایی؛
۲. آموزش متوسطه مقدماتی؛
۳. آموزش متوسطه تکمیلی و یا آموزش فنی و حرفه ای؛
۴. آموزش عالی؛

در تمام نظام های آموزشی دنیا، بعد از اتمام دوره آموزش متوسطه مقدماتی، تلاش می کنند تا دانش آموزان با رشته های تحصیلی مختلف به منظور ادامه تحصیل یا اشتغال به کار آشنا شده و بتوانند در این خصوص تصمیم درستی اتخاذ نمایند. این امر، از طریق برگزاری دوره های آموزشی مجزا یا گنجانیدن مواد درسی مرتبط با موضوع، و یا از طریق ارائه مشاوره رایگان در مدارس صورت می گیرد.

ب. آموزش پیش دانشگاهی

آموزش پیش دانشگاهی هم با عناوین مختلف از جمله دبیرستان ها یا کالج های پیش دانشگاهی جهت آماده کردن دانش آموزان برای ورود به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی در اغلب کشورها وجود دارد. در کشورهایی مانند آمریکا و کانادا که دوره پیش دانشگاهی

ندارند، دانش‌آموزان در طول دوره آموزش متوسطه تکمیلی، به خصوص در سال آخر دبیرستان از طریق گذراندن دروس مخصوصی، آمادگی ورود به دانشگاه‌ها را کسب می‌کنند. موضوع مهم دیگری که از بررسی نظام‌های آموزشی دنیا به دست می‌آید این است که، در اغلب کشورها هدف اصلی نظام‌های آموزشی، ورود به دانشگاه نیست، بلکه هدف عمده آن‌ها کسب مهارت زندگی و توانایی ایجاد یک زندگی مستقل و سازنده است. از میان نظام‌های آموزشی مورد مطالعه، کشورهای زیر دارای دوره پیش‌دانشگاهی یا کالج پیش‌دانشگاهی هستند: اسپانیا، استرالیا، انگلستان، پاکستان، فرانسه و مالزی.

ج. مدیریت آموزشی

در مورد مدیریت آموزشی کشورهای مختلف باید گفت که، به جز کشورهای چین و عربستان سعودی، بقیه کشورها یا دارای یک وزارتخانه مرکزی برای آموزش هستند و یا آموزش هیچ متولی مرکزی ندارد و به صورت ایالتی و محلی اداره می‌شود. عموماً در کشورهایی که به صورت فدرالی اداره می‌شوند، نظام مدیریتی آموزش عمومی آن‌ها به صورت کاملاً غیر متمرکز است؛ به این معنی که، سیاست‌گذاری و هماهنگی کلی به عهده حکومت مرکزی است و سایر مسئولیت‌ها کاملاً در اختیار ایالت‌ها یا مناطق قرار دارد. در کشورهای استرالیا، آمریکا، سوئیس و کانادا، دولت فدرال هیچ نقشی در آموزش ندارد و کلیه مسئولیت‌ها در این خصوص به ایالت‌ها واگذار شده است. در سایر کشورها نیز فقط یک وزارتخانه با یک

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۲۵

کمیسیون و شورای مرکزی کلیه مسائل مربوط به آموزش، اعم از آموزش عمومی و آموزش عالی را برعهده دارد. به نظر می‌رسد، در مورد مدیریت آموزشی، کشورهای دنیا به سمت تمرکز زدایی و کم کردن نقش دولت و حاکمیت در امر آموزش پیش می‌روند و به جای آن از مدیریت محلی و منطقه ای بهره می‌گیرند. در کشورهای چین، هند، مالزی، ژاپن، فرانسه و انگلستان، علی‌رغم وجود یک نهاد مرکزی تصمیم‌گیری برای آموزش عمومی کشور، اغلب مسئولیت‌های اجرایی و نظارتی به نهادهای محلی واگذار گردیده و فقط سیاست‌گذاری کلان آموزش در شورای مرکزی انجام می‌گیرد. در کشورهای که مدیریت سیاسی در امر آموزش نقش مهم دارد، مانند ترکیه، پاکستان و برزیل، آموزش کاملاً وابسته به حکومت مرکزی است. در مدیریت دانشگاهی هم وضع به همین گونه است. در کشورهای آمریکا، کانادا، سوئیس، استرالیا، برزیل، روسیه، ژاپن و هند دانشگاه‌ها کاملاً خود مختار هستند و حکومت مرکزی هیچ نوع دخالتی در امور آن‌ها ندارد. در این کشورها، پذیرش دانشجو معمولاً به صورت آزاد و غیرمتمرکز صورت می‌گیرد و هر دانشگاهی با توجه به شرایط خاص خود، اقدام به پذیرش دانشجو می‌نماید.

د. پذیرش دانشجو

در اکثر کشورهای دنیا، ملاک عمده پذیرش دانشجویان در مراکز آموزش عالی، عملکرد آنان در دوره آموزش متوسطه تکمیلی یا دوره آموزش پیش دانشگاهی است. در برخی از کشورها

نیز برای پذیرش دانشجوی علاوه بر احراز شرایط دیگر، از آزمون سراسری نیز بهره گرفته می شود؛ کشورهایی مانند ایتالیا، پاکستان، ترکیه، ژاپن و یونان از آزمون سراسری استفاده می کنند. ولی در کشورهایی مانند روسیه، سوئیس، عربستان سعودی، کانادا و مالزی، پذیرش در دانشگاه‌ها کاملاً آزاد است و فقط برای برخی رشته‌های خاص، نیاز به آزمون دارد.

یکی از موارد اشتراک اغلب کشورهای دنیا در پذیرش دانشجوی برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها، عملکرد دانش‌آموزان در دوران متوسطه تکمیلی و به خصوص در دوره پیش دانشگاهی است که نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای دارد و قبولی در آزمون ورودی از اهمیت کمتری برخوردار است.

وضعیت ارتباط نظام آموزش عمومی و آموزش عالی از منظر صاحب‌نظران علوم تربیتی

به منظور بررسی وضعیت ارتباط نظام آموزش عمومی و نظام آموزش عالی در کشور از نظرات افراد متخصص و صاحب نظر در زمینه علوم تربیتی و مسایل آموزشی از جمله: دکتر علی محمد کاردان؛ دکتر محمود مهرمحمدی؛ دکتر فریده مشایخ؛ دکتر زهرا گویا؛ دکتر خسرو باقری؛ دکتر محمدجعفر جوادی و دکتر علیرضا مهاجری، در سه بخش «وضعیت فعلی»، «موانع ارتباط سالم و علل آن» و «ارایه راهکارها» استفاده شده است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۲):

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۷۷

۱- توصیف وضعیت فعلی ارتباطی میان دو نظام آموزشی کشور

صاحب نظر	توصیفی از وضعیت ارتباطی حال حاضر نظامهای آموزشی کشور
محمدعلی کاردان	اتصال میان دو نظام آموزشی، در کنکور خلاصه می‌شود و دو نظام نسبت به نیازها و انتظارات هم بی‌تفاوتند.
محمود مهرمحمدی	نوعی گسست میان مسئولیتها و علائق دو نظام آموزشی مشاهده می‌شود و برنامه های دو نظام همسویی حداقلی دارند.
فریده مشایخ	چهارچوب ارتباطی منطقی و منظمی میان سطوح و مقاطع تحصیلی در این امر وجود ندارد.
زهرا گویا	نظامهای آموزشی دوگانه ما، همچون دو جزیره جداگانه عمل می‌کنند و از حال و روز هم تا حدودی زیادی بی‌خبرند و هر دو نظام در عین حال از هم گله‌مند هستند.
خسرو باقری	وحدت و هماهنگی تامی که میان دو نظام آموزش عالی و عمومی انتظار می‌رود، در ایران موجود نیست و گسستهای انگیزشی، محتوایی و روشی دو نظام را رنج می‌دهد.
محمد جعفر جوادی	رابطه موجود میان ارکان آموزش کشور ارتباطی مکانیکی است و هر وزارتخانه از منظر خود به امر آموزش نگاه می‌کند.
علیرضا مهاجری	عدم انسجام درونی و ناهماهنگی میان اجزای نظام آموزش کشور، نظام آموزشی ما را دچار اختلال کرده و نوعی سردرگمی و ناپوستگی مشاهده می‌شود.

از مجموع نظرات صاحب‌نظران، می‌توان گزاره‌ای بدین ترتیب صادر کرد که، یک الگوی ارتباطی مطلوب و نظام‌مند در شرایط حاضر، بین دو رکن نظام آموزش کشور، یعنی نظام آموزش عمومی و نظام آموزش عالی، حکم فرما نیست و فقدان هماهنگی سازمانی و کارکردی قابل قبول لطمات عمده‌ای بر عملکرد و محصولات نظام‌های آموزش کشور وارد آورده است.

از سویی، در بعد کمی، میان ظرفیت پذیرش در دو نظام، عدم تناسب قابل توجهی وجود دارد و همین واقعیت نظام گزینش متمرکز دانشجو را بر نظام آموزشی کشور تحمیل کرده است. از سوی دیگر، در ابعاد کیفی نیز انواع گسست های انگیزشی، محتوایی و روشی بین ارکان آموزش فعلی کشور وجود دارد. چنین وضعیتی شرایط رشد اذهان پرسشگر و پژوهشگر را نامساعد ساخته و بخش وسیعی از اهداف و برنامه های هر یک از دو نظام را در ابعاد مختلف از جمله سرمایه انسانی و مالی را معطل گذارده است.

۲- تبیین وضع فعلی آموزش کشور، علت یابی ناکارآمدی ها و بررسی موانع ارتباط سالم میان دو نظام

آموزشی عمومی و عالی

صاحب نظر	تبیین و علت یابی فقدان نظام ارتباطی مطلوب
کاردان	نبود مدیریت کلان آموزشی کارآمد در کشور و عدم پاسخگویی مدیران نظام های آموزشی نسبت به کاستی ها
محمدی	نظام گزینش متمرکز دانشجو که نظام متوسطه آموزشی را دچار تناقض در انتخاب استانداردهای آموزشی می کند.
مشایخ	نظام ارزشیابی کنکوری که دانش آموزان را در سطوح پایین شناختی نگه می دارد و مانع از پرورش اذهان پرسشگر که لازمه آموزش عالی است می شود.
گویا	جدایی تشکیلاتی دو نظام از هم، بدبینی تاریخی نسبت به هم و فقدان استقلال دانشگاه ها
باقری	وجود نوعی احساس خودکفایی کاذب در دو نظام آموزشی که بی تمایلی هر یک را به برقراری ارتباط با دیگری موجب می شود
جوادی	فقدان رویکرد سیستمی و تعدد مراکز تصمیم گیری در امر آموزش کشور
مهاجری	نسخه برداری صوری از مدل غربی آموزشی و نادیده گرفتن ابعاد ارتباطی نرم افزاری آموزش که ناهماهنگی بین بخشی را پدید آورده است.

فقدان وحدت و یگانگی مدیریتی در سطح کلان امر آموزش، فقدان رویکرد سیستمی به فرایند آموزش، بدبینی تاریخی نظام های آموزشی نسبت به هم، تحمیل استانداردهای چندگانه به

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۷۹

واسطه نظام گزینش متمرکز دانشجو بر نظام‌های آموزشی و عدم شناخت دو نظام از نیازها و انتظارات یکدیگر، متغیرهای کلیدی هستند که از نظر صاحب‌نظران در عدم وجود تعامل و ارتباط منطقی بین آموزش عمومی و عالی دخیل هستند.

۳- ارایه پیشنهاد و تجویز راهکارها

صاحب نظر	تجویز راهکارها و پیشنهاد برای اصلاح وضع ارتباطی
کاردان	تشکیل شورای هماهنگی نظام آموزش در کشور - انتخاب اساتید دانشگاه از میان معلمان و مدیران مدارس
محمدی	اصلاح وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان آموزش متوسطه - تجدیدنظر در نظام گزینش متمرکز دانشجو
مشایخ	جایگزینی یک آزمون تحلیلی - ترکیبی به جای کنکور فعلی - انجام سیاست‌گذاریهای کلان در چهارچوب ساختاری واحد
باقری	سپردن مسئولیت کنترل و هدایت نظام آموزش کل به یک مغز متفکر واحد تصمیم گیرنده و چاره‌اندیشی برای کنکور - پیگیری سیاست عدم تمرکز دانشگاه‌ها
گویا	سیاست‌گذاری یکپارچه - تغییر در نحوه گزینش دانشجو - اعطای استقلال به دانشگاه‌ها
جوادی	تشکیل یک شورای عالی سیاست‌گذاری و هماهنگی در آموزش کشور - حضور نمایندگی از هر نظام در نظام آموزشی دیگر
مهاجری	بازاندیشی در الگوی آموزش انفکاک یافته کنونی کشور - بها دادن به مهارت‌های عملی در مقابل مدرک گرایی صرف

وجود یک مجموعه تصمیم گیرنده و مرکز واحد برنامه‌ریزی، فراتر از مسئولیت‌های ویژه، هر یک از نظام‌های آموزشی، از نگاه تمامی صاحب‌نظران راهکار اصولی و موثر برای برون رفت از وضعیت جزیره‌ای شدن ارکان آموزشی کشور می باشد. از منظر ایشان، وزارتخانه‌های آموزشی کشور، یعنی آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فن‌آوری به دلیل آن که هر یک درگیر

مسایل درونی وزارتخانه‌های خود می‌باشند اولاً، فرصت تأمل در امور فرا سازمانی و استراتژی‌های برون بخشی را ندارند و ثانیاً، به نظر می‌رسد، ضرورت ایجاد ارتباط عمیق و همه جانبه با نظام دیگر هنوز برایشان روشن نشده است. به همین دلیل، تشکیل یک شورای عالی صاحب اختیاری برای تصمیم‌گیری در مسایلی که هر دو نظام در آن‌ها ذینفع و ذی‌علاقه هستند. در حال حاضر، ضرورتی غیرقابل چشم‌پوشی به نظر می‌رسد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از منظر جامعه‌شناسی کارکردگرایانه، نظام اجتماعی مطلوب نظامی است که بین اجزا و خرده‌نظام‌های تشکیل آن، تعامل نظام‌مند کارکردی برقرار باشد؛ بدین معنی که، واحدهای مختلف اجتماعی، ضرورت‌های نیازی یکدیگر را برآورده سازند، به انتظارات هم پاسخ گویند و از این طریق بقاء و سلامت عملکرد نظام اجتماعی کل را تأمین کنند. نظام آموزشی نیز با نگاه سیستمی بایستی دارای ارتباط نظام‌مند و معنادار ساختاری و فرایندی بین بخش‌ها و مقاطع مختلف آموزشی باشد.

بررسی نظام آموزشی کشور نشان می‌دهد در حال حاضر، یک الگوی ارتباطی مطلوب و نظام‌مند بین نظام آموزشی عمومی (آموزش و پرورش) و آموزش عالی (وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری) وجود ندارد و فقدان هماهنگی سازمانی و کارکردی مناسب بین دو نظام آموزشی کشور موجب اختلالاتی در سیاست‌گذاری، سازماندهی و برنامه‌ریزی‌های کلان و مشترک هر یک در ارتباط با نظام آموزشی کشور شده است. به سبب این گسستگی (و برخی عوامل دیگر) برون‌داد نظام آموزشی کشور، پرورش نسل خلاق و پرسشگر نیست.

بررسی وضعیت ارتباطی نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی... □ ۱۸۱

در چنین وضعیتی بخش وسیعی از اهداف و برنامه‌های هر یک از دو نظام در ابعاد گوناگون به خصوص سرمایه انسانی، معطل مانده است و به تحمیل نظام‌گزینش دانشجو بر اساس کنکور به نظام آموزشی کشور منجر شده است. و از این ناحیه لطمات شدیدی بر نظام آموزشی کشور به خصوص آموزش عمومی وارد می‌شود.

فقدن رویکرد سیستمی به فرایند آموزش، نبود وحدت و یگانگی مدیریت در سطح کلان آموزش و پرورش، بدبینی تاریخی نظام‌های آموزشی نسبت به هم و عدم پاسخگویی هر یک از دو نظام در قبال یکدیگر، تحمیل استانداردهای چندگانه به واسطه نظام‌گزینش متمرکز دانشجو بر نظام‌های آموزشی و عدم شناخت دو نظام از نیازها و انتظارات یکدیگر متغیرهایی هستند که در تبیین وضعیت فعلی ارتباطی دو نظام آموزشی کشور ذکر شده است.

برونرفت از این وضعیت بیمارگونه مستلزم اقداماتی در دو سطح می‌باشد:

الف) بازنگری در اهداف، رسالت‌ها، کارکردها و فرایندهای درونی هر یک از دو نظام آموزش عمومی و عالی با توجه به نیازها و خواست واقعی جامعه و اقتضانات شرایط جدید جهانی؛
ب) هماهنگ نمودن هدف‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان نظام آموزشی و ایجاد پل ارتباطی بین دو نظام آموزش عمومی و عالی؛

ضروری‌ترین راهکار جهت برونرفت از وضعیت جزیره‌ای شدن ارکان نظام آموزشی وجود یک مجموعه تصمیم‌گیرنده و مغز واحدی است که دو نظام آموزشی را در هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا به یکدیگر نزدیک کند.

منابع

- آقازاده، احمد. (۱۳۸۳). مسایل آموزش و پرورش ایران، تهران: انتشارات سمت.
- خورسندی طاسکوه، علی. (۱۳۸۲). «نظام ارتباطی آموزش ایران، آموزش متوسطه و آموزش عالی با تأملی بر علوم انسانی». وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۸۳). مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: مدرسه.
- دفتر اطلاع رسانی و سنجش افکار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۱). مقدمه ای بر نظام آموزشی کشورهای جهان. سایت اینترنتی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. رؤیت شده در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۵ به آدرس: <http://www.iraniculture.org/research/edupol/intro.php>
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۶). کارنامه اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شبلی، احمد. (۱۳۶۱). تاریخ آموزشی در اسلام. ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صافی، احمد. (۱۳۷۳). مازمان و قوانین آموزش و پرورش، تهران، سمت.
- صدیق، عیسی. (۱۳۶۲). تاریخ و فرهنگ ایران، چاپ هفتم. تهران: دانشگاه تهران.
- صفوی، امان‌الله. (۱۳۸۳). تاریخ آموزش و پرورش ایران. تهران: رشد.
- ضمیری، محمدعلی. (۱۳۸۰). تاریخ و آموزش و پرورش ایران و اسلام. چاپ نهم. تهران: انتشارات ساسان.
- علاقه بند، علی. (۱۳۷۱). مقدمات مدیریت آموزشی، تهران: انتشارات بعثت.
- محبوبی اردکانی، حسین. (بی تا). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مرادی، علی. (۱۳۷۹). بررسی راه های گسترش بین آموزش عالی و آموزش و پرورش در بعضی از جنبه های مهم آموزشی از دیدگاه سیاستگذاران، متخصصان و کارشناسان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی. (۱۳۸۱). گزارش ملی آموزش عالی در ایران سال ۱۳۸۰.
- نفیسی، عبدالحسین. (۱۳۷۵). «بررسی و تحلیل نیروها و عوامل موثر در شکل گیری و عملکرد نظام آموزش عالی ایران». تهران: سازمان برنامه و بودجه.